

۱- یافتن ارکان جمله: (بسیار مهم)

هدف این است که ارکان جمله و نهاد و گزاره را یافته و اسناد نهاد به گزاره را به درستی تشخیص دهیم و قرائت کنیم.

ارکان جمله:

(۱) جمله فعلیه: فعل و فاعل

(۲) جمله اسمیه: مبتدا و خبر

نکته: در جایی که جملات صغری و کبری داریم، باید دقت کنیم و این جملات را از یکدیگر تشخیص داده و تفکیک کرد.

■ مصدرُ الفعلِ الثلاثی المجرّد لا قیاس فی وزنه

شرح: در این مثال، مصدر مبتدا و لاقیاس فی وزنه خبر است که جمله کبری کل جمله است و جمله لاقیاس ... که در دل آن است، صغری است.

۲- وقف به سکون ممنوع:

برای کسب مهارت کافی در متن خوانی لازم است که انتهای تمام کلمات و عبارات را قرائت نماییم زیرا در غیر این صورت به نقش این کلمات و اعراب آنها توجه نکرده و خللی در متن خوانی رخ خواهد داد.

۳- یافتن مشارالیه اسم اشاره:

اهمیت این مطلب کاملاً واضح است.

۴- بررسی صرفی و لغوی کلمات: (مهم)

به عنوان مثال، هنگامی که به کلماتی همچون اسم فاعل، اسم مفعول و ... برخورد میکنیم، باید توجه داشته باشیم که این کلمات، نیازمند فاعل، مفعول، نائب فاعل و ... هستند که باید پیدا شده و اعراب گذاری شوند.

۵- یافتن ضمایر (ظاهر و مستتر) و مرجع آنها: (مهم)

برای درک معنا، لازم است در درجه اول، تمام ضمایر موجود در کلام را یافته و در گام بعدی، مرجع آنها را پیدا کنیم. این مطلب زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار میشود که ضمایر، مستتر و در درون کلمات پنهان میشوند. به عنوان مثال در اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، جمله وصفیه، جمله صلّه، جمله خبر و ... ضمایری ظاهر و مستتر وجود دارد که باید آنها را یافته و مرجع آنها را نیز مشخص کنیم.

۶- یافتن نوع «ال»:

برای درک معنا، لازم است بدانیم که نوع ال که بر سر اسامی ظاهر میشود، از کدام نوع است.

به طور کلی سه نوع ال وجود دارد:

(۱) ال تعریف

(۲) ال موصوله

(۳) ال زائده

ال تعریف به منظور معرفه کردن اسم به کار میرود. ال موصول نیز دقیقاً همانند موصولات عمل میکند و معمولاً ال ای که بر سر اسامی فاعل و مفعول میآید، میتواند موصوله باشد. در این موارد برای درک بهتر معنا، باید باز شده این کلمات را بسازیم. به مثال زیر توجه کنید:

■ المقدمه: التي تُقدِّمُ یعنی آنچه که خود را پیش انداخته.

۷- ترکیب کردن جمله: (بسیار مهم)

به طور کلی برای درک کامل معنا، لازم است جملات را به طور کامل تجزیه و ترکیب کرده و همزمان قرائت نماییم. زیرا در غیر این صورت معنا کاملاً تغییر خواهد کرد.

۸- یافتن متعلق جار و مجرور و ظرف:

ظرف و جار و مجرور، دارای متعلق هستند. برای درک صحیح معنا، حتماً لازم

است آنها را شناسایی نماییم. به مثالی که اهمیت این مطلب را آشکار میسازد توجه کنید:

اهمیت شناخت متعلق: (مهم)

■ إغسل يدكَ الى المرفق

احتمال اول:

اگر الی المرفق را متعلق به إغسل بگیریم معنا چنین است: دستهایت را تا مرفق بشوی؛ یعنی الی جهت شستن را مشخص میکند زیرا به إغسل متعلق است.

احتمال دوم:

اگر الی المرفق را حال از يدك و متعلق به «استقر» محذوف بدانیم، معنا چنین است:

دست هایت را در حالی که تا مرفق است بشوی. به این معنا که الی المرفق، محدوده شستن را مشخص میکند و نه جهت شستن را و درباره جهت شستن کلام سکوت کرده است؛ یعنی یا اختیاری است یا باید از دلیل دیگری جهت را به دست آوری.

بنابراین در آیه شریفه:

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ مائده ۶

نیز دو احتمال وجود دارد که ما شیعیان با توجه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) الی المرافق را حال برای ایدیکم و متعلق به محذوف میدانیم و جهت شستن را از کلام اهل بیت اخذ میکنیم.

۹- تعیین و یافتن مصداق موصولات:

همان طور که میدانید، موصول به معنای کسی که یا چیزی که میباشد، بنابراین برای حصول اطمینان در درک صحیح معنا، باید دقیقاً بدانیم که مصداق آن چیست.

۱۰- یافتن معنای دقیق کلمات پرتکرار و خاص:

همواره دارای معنای ثابتی بوده و برای فهم کلام، لازم است معنای دقیق آنها را بدانیم. در ادامه نمونه هایی از این کلمات را میآوریم.

(۱) **ایضاً**: همچنین، باید پیدا کنیم که این مطلب که بعد از ایضاً میآید، همانند چه مطلب دیگری است؟

(۲) **حینئذ**:

(۳) **کذالک**: به معنای مانند آن است بنابراین باید دقیقاً مشخص کنیم که مانند چه است؟ تقریباً همانند همان معنای ایضاً است.

(۴) **مطلقاً**: یعنی فارغ از قید بنابراین باید معلوم کنیم که این دو یا چند حالتی که احتمال وقوعش باشد. همچنین تفسیر مطلقاً باید با توجه به قبل یا بعد یا هر دو و هر گونه قیدی که ذکر شده است، انجام شود.

(۵) **یعنی**: وسیط (ص ۶۳۳): عنی الشیء: اظهره و ابرزه. (خیلی نزدیک به متن نیست) معنای دوم: عنی بالقول کذا: اراده و قصد (این نزدیک تر است و اعنی که در متون آمده است، دقیقاً به همین معناست) استاد پورمدنی:

یعنی: در صمدیه ضمیر فاعلی به شیخ بهاء و جمله مابعدش مفعول به یعنی است. به معنای قصد میکند. این به حسب اصل وضعیت است اما به علت کثرت استعمال از حالت فعلیه هم خارج شده و مساوی با **ای** **تفسیریه** است و **عمل هم نمیکند** و فاعل هم در آن مستتر نمیشود. به خلاف **اعنی** است که به معنای قصد میکنم بوده فعل است و عمل میکند.

(۶) **شاذ**: خلاف قاعده

(۷) **تبصره**: یکی دیگر از مصادر باب تفعیل از ریشه بصر است به معنای توضیح دادن و یادآوری کردن.

(۸) ...